

روزی روزگاری کافه

کسی نمی داند این یکجانشینی با هدف حرافی درباره شیر مرغ و جان آدمیزاد از کجا شکل گرفته بود اما با یک جست و جو درباره تاریخچه این مسأله به چند گذار تاریخی می رسیم.

از دهه ۱۹۶۰ به بعد، جنبش کافه نشینی همراه با مفهوم روشنفکری و دیگر شیوه ها به کشورهای جهان سرایت کرد. کافه ها مکان هایی برای معاشرت، مطالعه و تبادل نظر درباره موضوعات روز بودند. این جنبش یک پدیده اجتماعی جالب است که در قرن بیستم تا دهه ۱۹۸۰ به شدت رشد کرد و به معنایی فراتر از رفتن به کافه، قهوه خانه، چایخانه یا کافی شاپ است. اصطلاحا به یک کنش اجتماعی اشاره دارد که ریشه های آن به سده های هجدهم و نوزدهم اروپا، به خصوص دوران انقلاب فرانسه و انقلاب های سیاسی بازمی گردد. در ابتدا، کافه نشینی عمدتاً در اقامتگاه های افراد نیکوکار و فرهنگی برگزار می شد. این مکان ها معمولاً توسط هنرمندان، نویسندگان، روشنفکران و افراد مشهور پشتیبانی می شدند. در انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه هم، کلوب های انقلابی را می توان نوعی آغاز کافه نشینی احتمالا سیاسی دانست. در این کنش، مردم در یک محیط بیرونی گرد هم می آمدند تا همزمان سرگرمی داشته باشند و بحث و گفت و گو کنند.

فرهنگ کافه نشینی در ایران و سایر مناطق جهان، یک موضوع جالب و پر اهمیت است. این فرهنگ از قهوه خانه های پرجنب و جوش استانبول در قرن هفدهم نشأت می گیرد که محل تجمع روشنفکران، شاعران و تجار بودند. در ایران نیز فرهنگ کافه نشینی در دوره های مختلف تاریخی تجربه شده است:

۱. **دوره صفوی:** در دوره حکومت صفوی، قهوه خانه ها به مکان هایی برای تبادل نظرات اجتماعی و بحث های فکری تبدیل شدند. شاعران، صاحب نظران، نویسندگان و افراد روشنفکر در قهوه خانه ها جمع می شدند.
۲. **دوره قاجار:** در این دوره، قهوه خانه ها همچنان به عنوان مکان هایی برای بحث های اجتماعی و فرهنگی مورد استفاده قرار می گرفتند.
۳. **دوره پهلوی:** در دوره پهلوی، قهوه خانه ها به شکل های مختلفی تغییر کردند. هنوز هم بقایای این نوع قهوه خانه ها در گوشه و کنار کشور، به خصوص در تهران مشاهده می شود.
۴. **دوره امروزی:** امروزه کافه نشینی به معنایی فراتر از رفتن به کافه، چایخانه یا کافی شاپ دارد. این فرهنگ به یک کنش اجتماعی اشاره می کند که ریشه اش به قرون هجدهم و نوزدهم اروپا، به خصوص انقلاب فرانسه بازمی گردد. به طور کلی، کافه ها برای قرن ها محل تجمع مردم بوده و در تسهیل تعاملات اجتماعی، بحث های فکری و جنبش های سیاسی نقش مؤثری داشته اند.



درباره کافه رفتن و فرهنگ

سیاره های

یک چراغ خواب آهنی
اعلی برساند گذاشته
لوس منو را می گذارد
مرغ بخوری که یک و
در عین ناباوری محت



زهرا اقبانی

دبیر
نوجوانه

جایی دور و در عین حال نزدیک به جامعه واقعی.

شغل شما چیه؟

احتمالا در چند سال آینده نسبت به سال های گذشته بیشتر آقا داماد هایی ایتالیایی یعنی قهوه چی و حالا چند سالی است خصوصا در بین نوجوان ها شغل برای محبوبیت باریستا شدن در ایران را بررسی می کنیم:

- ۱- **رشد فرهنگ قهوه خوری:** در سال های اخیر، فرهنگ قهوه خوری در ایران علاقه دارند و به دنبال تجربه های متنوع در مورد نوشیدنی های قهوه ای هستند.
- ۲- **تنوع نوشیدنی ها:** باریستاها نه تنها قهوه های سنتی مانند اسپرسو و کاپوچینو مثل لاته، موکا و آمریکانو را در اختیار مشتریان قرار می دهند.
- ۳- **مهارت های آموزش دیده:** باریستاها معمولاً دوره های آموزشی در زمینه قهوه این مهارت ها به آنها امکان می دهد نوشیدنی های با کیفیت و مطابق با استانداردها
- ۴- **محبوبیت کافی شاپ ها:** کافی شاپ ها به عنوان مکان هایی برای دیدار با دوستان در این مکان ها نقش مهمی در ایجاد تجربه خوب برای مشتریان دارند. به طور کلی، محبوبیت باریستا شدن در ایران به دلیل رشد فرهنگ قهوه خوری کافی شاپ هاست. این شغل برای علاقه مندان به قهوه و تجربه کار با نوشیدنی

قرارمهم دارم

نمی دانم بگویم کلاس دارد یا فشار اقتصادی بعضی ها را وادار می کند به این که یک لپ تاپ آخرین مدل بردارند بروند بنشینند گوشه کافه و همان جا کارهای شان را انجام بدهند، به جای این که بتوانند یک دفتر ۳ در ۴ اجاره کنند ولی مصرف بعضی ها دقیقا همین است. کم کم کافه ها و فضاهای کار اشتراکی با هم قاطی شدند یعنی از صبح تا شب می توانی بنشینی کار کنی، قرارکاری بگذاری و کسی هم نگوید زمان استفاده شما از میز تمام شده است. البته این اتفاق مزایا و معایبی هم دارد. صرفه جویی در هزینه مثل آب و برق، احساس تعلق به جامعه و در اجتماع کار کردن از مزایا و عدم تطابق با کار چارچوب مند در جای مشخص و البته طاقت فرسا بودن دفترها و پشت میز نشینی جزو معایب کار در کافه هاست.



بازی دسته جمعی

از یک جایی بشر فهمید حوصله اش سر می رود اگر بنشیند یک جا و فقط حرف بزند و نظر بدهد؛ بنابراین کافه ها از یک مقطعی به بعد پاتوق بازی های رومیزی هم بودند. یکی از علت های مهم بازی در کافه ها جدای از کیف دسته جمعی بودنش گرانی بازی ها خصوصا از نوع خارجی و تنوع بازی های داخل کافه است که آدم را وسوسه می کند از هر کدام یک دست بازی کند. بماند که در برهه هایی هم بویش در می آمد که کافه هایی لیگ مافیای دارند یا پوکر بازی می کنند و قمار می کنند اما این اتفاقات عموماً نمی افتد. بعدها در کشور ما کافه بازی هم راه افتاد که اساسا به این نیت می روی که بازی کنی و کنارش یک چیزی هم به بدن بزنی.



کافه با اشک و لبخند

کافه ها خیلی وقت است که پایشان به هنر هم باز شده است. می شود رد پای جدی آن را در هنرهای مختلف به ویژه شعر محوریت شان کافه بوده است مثل «کافه ترانزیت». اما در تعریف داشته است. جالب اینکه لوکیشن خیلی از این کافه ها قبل از فیلم «پل چوبی»، کافه ای وجود دارد که صاحب آن فردی از امین پچه های محل است. کافه ای که کثلت هایش معروف به نوعی در فیلم ذکر می شود: «عشق یعنی حالت خوب با دیگری مثل «صورتی»، «بیست»، «سن پترزبورگ» و «اعتن» دست کافه ها می بینیم.

در شعر ما نیز کافه از زمان پیدایش جایگاه خاصی داشته است. است خودتان یک جستجوی ساده کنید تا به انبوهی از آنها اینجای برای تان یک دوبیتی از شاعر جوان کشورمان آرمین طاهری که می گوید: «چای گیجی وسط کافه دنیا بودم / قند لیخند تو محبوبم کرد / دور کردند تو را تا که مرا سرد کنند / تلخی بی مرغوبم کرد».

اما جدیدترین هنری که زلفش با کافه ها گره خورده است استند قبل از اینکه ذهن تان برود سمت تلاش های جوکر برای خند آن کافه ترسناک؛ توضیح بدهم که خیلی از جوان های طنز کافه های مختلف هنرشان را ارائه می دهند.